

## روایات عاشورایی میرزا محمد تقی سپهرکاشانی در ناسخ التواریخ

دکتر محسن رفعت<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

### چکیده

ناسخ التواریخ یکی از آثار میرزا محمد تقی سپهرکاشانی است. بخشی از این کتاب به مقتل الحسین علیه السلام اختصاص دارد. این مقتل یکی از پیشگامان تحریفات عاشورایی در قرون اخیر به شمار می‌رود. گزارشی که سپهر از قیام امام حسین علیه السلام ترسیم کرده از روایات مقاتل متقدم و متأخر گرفته شده و از نظر متنی آشفته است؛ به طوری که در برخی موارد با وقایع مسلم تاریخی ناسازگار بوده و در مواردی شأن امام معصوم علیه السلام خدشه دار شده است. با این همه این مقتل بسیار مورد توجه علما، وعاظ و مداحان شیعی بوده است. مقتل الحسین علیه السلام در برخی موارد مخاطب را به تأمل و تردید می‌افکند و حتی در برخی موارد، شیعه را متأثر از اعتقاداتی خاص معرفی می‌کند. مقاله حاضر در صدد است تا با بررسی گزاره‌های این کتاب، مطالب تاریخی و روایی آن را که بسیار مورد تردید است، با روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی مورد ارزیابی

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیه السلام  
mohsenrafaat@hmu.ac.ir

قرار دهد و از این طریق به برخی از تحریفاتی که نخستین بار بر اثر این کتاب در میان روایات عاشورایی جای گرفته است، اشاره کند. **کلیدواژه‌ها:** تحریفات عاشورا، *ناسخ‌التواریخ*، سپهر کاشانی، روایات عاشورایی، مقتل الحسین علیه السلام.

## مقدمه

مطالعه تاریخ اسلام در میان مسلمانان به مثابه بخشی از معرفت دین به شمار می‌رود. از طرفی تأکید فراوان قرآن و دیگر آموزه‌های دینی بر عبرت از گذشتگان و اسوه قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، بر اهمیت آن افزود. نگارش مقاتل و خصوصاً مقتل امام حسین علیه السلام گرچه در میان فرق مختلف اسلامی رواج یافت، اما در میان شیعیان به عنوان یکی از رسالت‌های مذهبی برای پاسداشت اهداف واقعه کربلا، بیان احساسات مذهبی و الگوگیری مقاومت در برابر ظالم از اهمیتی خاص برخوردار شد. گزارش‌های فراوان در این مورد و مقاتل گوناگونی که در طول اعصار به نگارش درآمده مؤید اهمیت آن است. سوای از انگیزه‌های سیاسی و مذهبی که موجب تحریف بسیاری از وقایع این رویداد عظیم شد، در آمیخته شدن برخی از این مقاتل با احساسات و عواطف و یا پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌های نویسندگان آنان، نتوانست تصویر روشن و به دور از تناقض را در مقابل دیدگان مخاطبان خود قرار دهد و از همین رو کنکاش در به دست آوردن چهره واقعی این مقطع از تاریخ و بررسی مجعولات و محرفات ثبت شده در مقاتل، همواره یکی از دغدغه‌های پژوهشگران حوزه دینی به شمار رفته و بزرگانی چون محدث نوری اقدام به نگارش کتبی در این زمینه کردند.

باید اذعان کرد در حال حاضر، در متن شماری از مقاتل اصلی که فراروی ما قرار دارند،<sup>۱</sup> مباحثی وجود دارد که یا از حیث سند مورد خدشه و تأمل اند یا از جهت متن و دلالت با قیام و انگیزه امام حسین علیه السلام منافات دارند. یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین

۱. تعداد آنها از آغاز تا پایان حدود چهل مقتل است. گفتنی است این چهل مقتل علاوه بر کتب تاریخی دسته اول، کتب مناقب و مانند آن را در برمی‌گیرد (برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک. رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۱).

مقاتل شیعیان، *ناسخ التواریخ* سپهر است. هدف این مقاله، تحقیق جوانب مواجهه با نهضت عاشورا و بررسی راهیابی تحریف در سازوکار مورخان با محوریت روایات عاشورایی سپهر در *ناسخ التواریخ* است. اینکه در این کتاب چه روایاتی جزو نخستین گزارش‌های عاشورایی قرار گرفته است؟ سؤال اصلی پژوهش حاضر است. این مقاله درباره قسمتی از تحریفات *ناسخ التواریخ* در مورد امام حسین علیه السلام است، ضمن آنکه رویدادهای تاریخی آن با سنجه‌هایی چون دلایل قرآنی، حدیثی، شواهد تاریخی و عقلی نقد و بررسی شده است. پیش از این، درباره روایات عاشورایی کتاب *ناسخ التواریخ* با مختصات و شرایط مذکور، مقاله یا کتابی تدوین نشده است.

#### محمدتقی سپهرکاشانی

محمدتقی سپهر، معروف به لسان‌الملک پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم، به فنون شعر، عروض و قافیه پرداخت. در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت همشهری خود، مرحوم صبا ملک الشعراى فتحعلی شاه رسید و به تشویق صبا به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد؛ ولی به علت فوت صبا در سال ۱۲۳۸، کار ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا، پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان، او را به منادمت خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی شاه به تهران دعوت شد و در سلک اعضای دیوان درآمد.

سپهر در عهد محمد شاه، مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب *ناسخ التواریخ* مأموریت یافت. این کتاب، که تاریخ عمومی است، به وقایع تاریخی از ابتدای خلقت تا سال ۱۲۷۳ هجری پرداخته است. تلاش‌های او موجب شد تا پس از چندی، ناصرالدین شاه به او لقب «لسان‌الملک» دهد. وی بعدها جزو اعضای مصلحت‌خانه درآمد. در سال ۱۲۹۱ هجری که اعتضادالسلطنه ریاست اداره «تربیت مجالس تنظیمات حسنه در ولایات ممالک محروسه» را یافت، سپهر مستوفی اول شد و به لقب خانی مفتخر گردید. سپهر در هفدهم ربیع الثانی ۱۲۹۷ هجری در تهران فوت کرد اما جسد او را به نجف اشرف منتقل کردند (امین عاملی، ۱۴۰۳: ۹/۱۹۴؛ حسینی

جلالی، ۱۴۲۲: ۲/۱۷۵).

محمدتقی سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در علوم بسیاری از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. از دیگر آثار و تألیفات او می‌توان به *آینه جهان‌نما؛ أسرار الأنوار فی مناقب الائمة الأطهار علیهم السلام*، *براهین العجم فی قوانین المعجم*، *جنگ فی التواریخ*، و *محموده القصائد* اشاره کرد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱/۵۱، ۳/۸۱؛ امین عاملی، ۱۴۰۳: ۹/۱۹۴).

### روش تاریخ‌نگاری ناسخ التواریخ

سپهر، نامی‌ترین نویسنده درباری عصر قاجار بود که مفصل‌ترین تاریخ را با عنوان *ناسخ التواریخ* نگاشته است. این کتاب وقایع تاریخی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روزگار مؤلف را دربردارد که چهار جلد آن مربوط به امام حسین علیه السلام است. از آنجا که هدف وی از نگارش چنین کتابی بی‌نیازی خواننده از کتاب‌های دیگر بوده، مطالب سست و بی‌پایه در آن بسیار راه یافته است. این اثر به دلیلی که ذکر شد و نیز درباری بودن نویسنده، در مجامع علمی مورد استقبال قرار نگرفت و حتی برخی مطالعه آن را جایز ندانسته‌اند (قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۷۸). با این حال این نگاشته تا چند دهه، از آثار مورد استفاده عامه مردم، خطبا و اهل منبر بود (رنجبر، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

محمدتقی سپهر به مناسبتی نقاب از چهره تحریف‌ساز کتابش برمی‌دارد (صحتی سردرودی، ۱۳۸۶: ۸۱) و به وضوح می‌نویسد: «مکشوف باد که من بنده نخست روز، بر ذمت نهادم که هر خبری و حدیثی را که دست خوش کلک و بنان سازم، چنان از در استقراء و استیعاب پردازم که مطالعه‌کننده را به مراجعه هیچ کتاب حاجت نیفتد لاجرم واجب می‌کند که هر قصه [ای] را که در کتب معارف مورخین و محدثین دیدار کنم، دست باز ندارم و بی‌توانی [بدون سست و درنگ] بنگارم، مگر چیزی که در شمار محالات رود و از حیز امکان بیرون افتد...» (سپهر، ۱۳۸۳: ۱/۳۷۸). وی در ادامه به منابع عاشورایی خود پرداخته و گزارشات خود را از بزرگان شیعه و سنی نقل کرده از جمله: *ارشاد*، *لهوف*، *مثیر الأحران*، *مقاتل الطالبيين*، *کتاب الکبیر و کتب مناقب از علمای امامیه و زیدیه*، *مروج*



الذهب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، کشف الغمه، مجلدات بحار و عوالم، تاریخ طبری، تاریخ [ابن] اعثم، مقتل ابی مخنف، مناقب خوارزمی، تذکره الخواص، مطالب السئول، فصول المهمه، زبده الفکر، روضه الشهداء و دیگر کتب که برخی منبع مشخص دارند و در کتاب ثبت شده و برخی بدون نام هستند (همان، ۳۷۹/۱ - ۳۸۰). با مراجعه به متن کتاب معلوم می شود که بیش از همه از بحار و عوالم و روضه الشهداء و نیز روضه الأحباب، مناقب المناقب، منتخب طریحی، بستان الواعظین، مدینه المعجز و یا منابعی که شهرت چندانی ندارند، نقل کرده است. وی در فضائل و مناقب از این کتاب ها تا حد امکان بهره جسته است (همان، ۳۵۸/۲، ۳۶۵، ۲۶/۴، ۴۲، ۵۳).

سپهر در بیان وقایع سال پنجاه و نهم، احادیثی از آیات مؤوله در مورد امام حسین علیه السلام و نیز اخبار انبیاء از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و مانند اینها را ذکر کرده سپس به مباحث تاریخی پرداخته است (همان، ۲۶۵/۱ - ۳۳۲). از نقدهای وارد بر ناسخ التواریخ آن است که این کتاب به بیان توصیفی مطالب پرداخته و کمتر تحلیل دارد. به عنوان نمونه درباره سر مطهر امام علیه السلام به تفصیل اقوال مختلفی را ذکر کرده و تحلیلی ارائه نداده است اما در مورد بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا نظرهای مختلفی را آورده (همان، ۱۹۱/۳ - ۲۰۰) و به صورت مختصر تحلیلی ارائه کرده و عقلاتی چنین مسافتی را محال دانسته است (همان، ۱۰۱/۳، ۱۷۶). یا در مورد عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام معتقد است که در جریان کربلا حضور داشته و به نظر علامه مجلسی در این باره خرده گرفته است (همان، ۳۴۱/۲ - ۳۴۲). نقل عجائب و غرائبی که در هیچ منبع روایی نمی توان آن را یافت از مواردی است که ناسخ التواریخ را با دیگر کتاب ها متمایز کرده است. طلب انگور و موز از امام حسین علیه السلام در غیر فصل خود، رطب دادن نخل خشک با اعجاز امام حسین علیه السلام (همان، ۹/۴)، نقش نمودن خاتم برسنگ (همان، ۱۱/۴)، جاری نمودن آب با انگشت از زمین (همان، ۱۶/۴) و نظایر اینها از نمونه این موارد است. قاضی طباطبایی (۱۳۶۸: پاورقی ۲۹، ۷۹)، اشتباهات ناسخ التواریخ را بسیار می داند و محتویات بدون مدرک و منبع آن را قابل اعتماد ندانسته است. مطهری (بی تا: ۳۵/۱۵) نیز هر چند مؤلف را متدین خوانده، اما تاریخش را معتبر نمی داند.

هر جلد *ناسخ التواریخ* مربوط به یکی از بزرگان تاریخی است و در حقیقت کَشکولی از روایات مربوط به شخص مورد نظر بوده است. در جلد مربوط به امام حسین علیه السلام از نظم و انسجام خاصی پیروی نمی‌کند. این نکته درباره وقایع پس از شهادت بیشتر نمایان می‌شود؛ چنان که لابلای ذکر اخبار مختلف، به مکارم اخلاقی امام علیه السلام اشاره کرده و مجدداً به لعن قاتلان و سپس به طور مفصل به ذکر مرثی و نوحه سرایی‌های عاشورا و در ادامه به تعداد فرزندان امام حسین علیه السلام پرداخته و گزارشی از زندگی آنان ارائه می‌کند که در طی این تبویب و تنظیم مطالب درهم آمیخته و ناهماهنگ است (نک. همان، ۴).

### سپهر و مقتل حسین علیه السلام

گزارش *ناسخ التواریخ* از مقتل امام حسین علیه السلام مانند گزارش *بحار الأنوار*، تلفیقی از گزارش‌های دیگران است؛ اما به اعتبار ودقت *بحار الأنوار* نیست. آنچه در گزارش‌های معتبر و غیرمعتبر وجود دارد با حذف اسناد، کنار هم جمع شده‌اند، به همین جهت در برخی موارد تناقض‌های آشکاری به چشم می‌خورد.

موارد بی‌شماری وجود دارد که *ناسخ التواریخ* در آن نخستین ناقل است مانند ملاقات امام حسین علیه السلام با عمرو بن یوازن (همان، ۱۵۰/۲) که بی‌تردید با تصحیف به دست سپهر رسیده، چرا که چنین نامی در میان کسانی که با امام علیه السلام ملاقات داشته‌اند یافت نمی‌شود، بلکه ملاقات امام علیه السلام با عمرو بن لوزان بوده است (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

کتاب *ناسخ التواریخ* هر چند مورد اعتماد نیست، اما مجلداتی که در مورد امام حسین علیه السلام است، چند بار به چاپ رسیده و نقد آن لازم است. هر چند با وجود منابع دست اول درباره قیام و زندگی امام حسین علیه السلام نه به کتاب‌هایی هم چون *ناسخ التواریخ* نیاز است و نه شایسته است که به چنین کتاب‌های غیرمعتبر مراجعه شود (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹۹-۲۹۸). مقالاتی مانند *ناسخ التواریخ* که از قرن دهم به بعد به نگارش درآمدند، نقش افرادی مانند ام‌کلثوم را در واقعه کربلا پررنگ‌تر جلوه می‌دهند، چنان که ام‌کلثوم بیشتر از هر چیزی نقش شخصیتی شاعر را بازی می‌کند، این نکته در این کتاب فراوان دیده

می شود (همان، ۱۷۹/۳).

### مطالب غیرواقعی و تحریفی ناسخ التواریخ

گزارش های تحریفی ناسخ التواریخ فراوان است، بخشی از مطالب اصلی آن در ادامه آورده شده است. البته یک گزارش که مربوط به محل شهادت امام علیه السلام در جایی به نام گودال قتلگاه است شاید اصلی ترین گزارش وی باشد که در تحقیق مفصلی پیش از این به چاپ رسیده است.

#### الف) امام حسین علیه السلام بر مزار حضرت زهرا علیها السلام در بقیع

سپهر (۱۳۸۳: ۶/۲) می نویسد: «[پس از وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] از آنجا به بقیع غرقد رفت و بر سر قبر مادر نشست و فاطمه را نیز وداع گفت، پس به مزار برادر آمد». دیگر منابع بر چنین واقعه ای صحه نگذاشته اند، ضمن این که مزار حضرت زهرا علیها السلام هم چنان پنهان بوده و در این باب کسی نمی تواند به صورت قطعی ادعا کند که امام علیه السلام را بر قبری که به مادرش منتسب بوده دیده است.

#### ب) بیعت هشتاد هزار نفر با مسلم

سپهر (۱۳۸۳: ۴۲/۲-۴۳) نقل می کند: «به روایت ابومخنف هشتاد هزار کس با مسلم بیعت کرد و ابومخنف خود در آن هنگامه حاضر و ناظر بوده، چه ابومخنف کنیت لوط بن یحیی است و یحیی در شمار اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، چنان که در کتاب علی یاد کرده آمد و لوط از اصحاب حسن و حسین علیهما السلام بود، لاجرم روایت او از دیگر روایان به صدق نزدیک تر است».

اول آنکه طبق منابع دیگر شمار بیعت کنندگان دوازده هزار نفر بوده اند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۵۴/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۱/۴) و این به واقع و عرف که تعداد مردم کوفه بیش از این نبوده اند نزدیک تر است. مرجع عبارت سپهر مقتل منسوب به ابومخنف است (مقتل الحسین، ۱۴۰۸: ۳۳) که نمی توان بدان اعتماد کرد. این در حالی است که در موضعی دیگر این تعداد را چهل هزار نفر عنوان می کند (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۸۴/۲). دیگر

آنکه ابومخنف کنیه لوط بن یحیی است که طبق منابع رجالی شیعه از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار می‌رود، جدّ ابومخنف یعنی مخنف بن سلیم و پدرش یحیی بن سعید از اصحاب علی علیه السلام محسوب می‌شود (برقی، ۱۳۴۲: ۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۸۱؛ همو، ۱۳۷۳: ۸۱). مشهور آن است که ابومخنف به سال ۱۵۷ درگذشت (حموی، ۱۴۱۴: ۲۲۵۲/۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۰۲/۷). البته برخی معتقدند مدتی پیش از سال ۱۷۰ هجری درگذشته است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۱۹/۳؛ عسقلانی، ۱۳۹۰: ۴۹۹/۳). در منابع، وی را از جمله یاران حسنین علیهم السلام شمرده‌اند. ضمن اینکه طبری که جامع روایات ابومخنف بوده همه روایاتش را با واسطه سه‌گانه یا چهارگانه به ناقلان اصلی خبر می‌رساند. با این توصیفات حضور ابومخنف در کوفه و بررسی این وقایع امری بعید است که در این مطلب منبع سپهر مشخص نیست و او دچار خلط شده است.

#### ج) پیرزن و سنگ به سر امام حسین علیه السلام

سپهر (۱۳۸۳: ۱۲۰/۳-۱۲۱) به نقل از سهل بن سعد گوید: «گاهی که سرمبارک حسین علیه السلام را در شهر دمشق حمل می‌دادند، پنج تن از زنان شام را نگریستم که از برای تماشا برد ریچه کوشکی بلند برآمده بودند و در میان ایشان پیرزنی فرتوت و محدوبه الظهر بود، چون سر حسین علیه السلام را از برابر آن دریچه در می‌گذرانیدند، آن عجوز با پشت خمیده برخاست و سنگی به دست کرده بر آن سر همایون افکند، چنان که به ثنایای مبارکش آمد، چون این بدیدم از آن ملعونه دست برداشتم و گفتم: اللهم أهلكها وأهلكهنّ معها بحق محمد وآله صلی الله علیه وآله اجمعین، هنوز این کلام را تمام نیاورده بودم که آن دریچه فرود آمد و آن ملعونه و آنان که با وی بودند به زیر سنگ و خاک هلاک شدند».

۱- چنین روایتی مربوط به حوادث شام بوده، در حالی که منابع معتبر و قابل اعتماد شیعه و سنی در مورد وقایع مربوط به شهر شام سخنی به میان نیاورده‌اند. این گزارش نیز مخدوش بوده، چرا که علاوه بر ارسال تامّ در سند، از شخصیتی به نام سهل بن سعد ساعدی سخن برده شده که درباره وقایع عاشورا و یا پس از آن نمی‌توان به او اعتماد کرد، زیرا نام وی در منابع کهن در زمره راویان روایات عاشورایی ثبت نشده و نیز سلسله



- اسنادی که منابع قرن هفتم به بعد از او نقل کرده‌اند نامعلوم است.
۲. کتابی که سپهرآزوی نقل کرده مناقب است، اما نام کتاب کامل بیان نشده است. چنین گزارشی در مناقب ابن شهرآشوب یافت نشد، بنابراین بعید نیست روایت مربوط به کتب مناقبی است که کاشفی و امثال او از چنین کتبی نقل کرده‌اند.
- ۳- برای روایت تقریباً طولانی نقدهایی وارد است که برخی از آنها پیش از این گذشت، مانند خواهش و تحویل اندکی پول به شخصی از سوی سکینه تا سرها را پیشاپیش ببرند<sup>۱</sup> و یا سوار کردن اهل بیت علیهم‌السلام بر شتران بی جهاز و محمل و یا رقص و پای کوبی شهرشام و یا سؤال مردی از شام که سهل از او جویای اتفاقات تازه شام می‌شود و پاسخ می‌شنود: ای سهل! تو را شگفتی در نمی‌برد که آسمان خون نمی‌بارد و زمین اهلش را فرو نمی‌برد؟ سهل گوید: گفتم: به خاطر چه؟ گفتند: سر حسین بن علی علیه‌السلام را برای یزید می‌برند. نگاهی به این پرسش و پاسخ این نکته را می‌رساند که ارتباط میان این دو اندکی نامفهوم بوده و به نظر خلطی است که راویان در آن انجام داده‌اند.
۴. کشته شدن پیرزن و همراهانش از جمله وقایعی نیست که مورخان و محدثان شیعی در کتاب‌های خود نقل نکنند، چرا که گویای عذاب شدن فردی است که نسبت به سر مطهر امام علیه‌السلام جسارت کرده، از این رو هلاک شدن چنین افرادی پس از سال‌ها ثبت شده و این مسأله قابل تأمل است.
۵. راوی هلاک شدن این افراد را به گونه‌ای تصویر کرده که گویا این افراد به خاطر نفرین او به هلاکت رسیدند. به همین دلیل بعید نیست که بر فرض وجود چنین روایتی در کتب متقدم و یا صحت چنین واقعه‌ای راوی در صدد شأن‌سازی و کسب موقعیت خویش بوده است.
۶. اصابت سنگ به هدف از ناحیه پیرزنی فرتوت که گوژپشت بوده آن هم از فاصله‌ای که وی در دریچه خانه‌ای بلند قرار داشته محل شگفتی است. مصحح ناسخ التواریخ مراد از «کوشک» در عبارت «دریچه کوشک» را قصر یا بنای بلند دانسته است. با توجه به متن

۱. در کتبی مانند مناقب ابن شهرآشوب آمده که چنین روایتی از ابن عباس گزارش شده، در حالی که در منابع بعدی ضمن اختلاف در مصداق اعطاکننده درهم‌ها، راوی روایت سهل بن سعد ساعدی است.

نسخ التواریخ که مربوط به سده پیشین ادبیات فارسی است و این الفاظ در این کتاب به وفور دیده می‌شود، از این رو چنین معنایی برای کلمه «کوشک» گویای آن است که این افراد از قصر یا بنایی بلند شاهد حرکت اهل بیت علیهم‌السلام بوده و سنگ باید به وسط رأس شریف برخورد کرده باشد نه دندان‌های ثنایا، چون اگر سنگ از روبه‌رو پرتاب می‌شد، احتمال اصابت به ثنایا پذیرفتنی بود.

۷. طبق منابع دیگر سرهای شهدا به ویژه سر امام حسین علیه‌السلام پس از این که خولی سر را به کوفه برد و ابن زیاد آن را ملاحظه کرد، به شام نزد یزید فرستاده شد (بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۱۲/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۹-۲۶۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۹/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸۳/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۸). بنابراین گزارش‌های تاریخی زحربن قیس از سوی ابن زیاد مأمور شده بود تا سر امام حسین علیه‌السلام و اصحابش را به یزید برساند، ابوبرده بن عوف ازدی و طارق بن ابی ظبیان ازدی نیز او را همراهی کرده‌اند (بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۱۲/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۸/۲). در این صورت گرداندن سردر شهر شام بی معنا خواهد بود، مگر اینکه بتوان برای آن توجیهاتی قائل شد که البته صحیح نخواهد بود.

#### د) سپردن ودائع امامت به فاطمه بنت حسین علیه‌السلام

سپهر (۱۳۸۳: ۳۶۲/۲) نگاشته است: «... ابی جعفر علیه‌السلام گفت: چون حسین علیه‌السلام را آن حادثه پیش آمد و بیرون خواست شد به جنگ، دختر خویش را بخواند، دختر بزرگ‌تر فاطمه بنت الحسین بود. صحیفه به وی سپرد و وصیت ظاهر کرد و وصیت پوشیده، وصیت ظاهر و داع بود و تسلیم صحیفه و وصیت پوشیده آن بود که صحیفه به علی زین العابدین دهد، اما به وقت خویش، اگر علی را چیزی باید که بیند هم در پیش فاطمه می‌کند و از پیش فاطمه بیرون نبرد تا آنگاه که او از دست دشمن بیرون رود، آنگاه با دست خویشان گیرد، چون علی زین العابدین از دست بنی امیه بیرون آمد آن صحیفه به دست گرفت و اکنون ما داریم و از کل علوم از ماضی و مستقبل تا قیامت چه خواهد بود، خبر داریم و مخزون و محروس است پیش ما و هرگز به دست نااهل و ناجنس آلوده نگردد».

۱. این روایت در کتاب *بصائر الدرجات* نقل شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۸) و نیز نک.

کلینی، ۱۳۸۸: ۲۹۱/۱؛ ح ۶؛ ۳۰۳/۱؛ ح ۱؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۷؛ ابن

شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۷۲/۴). سند این روایت شبیه سند کلینی در کافی است که از پنج طریق به دست ما رسیده و بنا بر ضعف منصور بن یونس واقفی (حلی، ۱۴۱۷: ۲۵۹؛ خوبی، بی تا: ۳۵۳/۱۸)، محمد بن جمهور (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۷) و ابوالجارود (کشی، ۱۳۶۳: ۴۹۵/۲؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۶۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۰؛ خوبی، بی تا: ۷۶/۲۱) راوی اول روایت ضعیف است.

۲- طبق روایات دیگر امام حسین علیه السلام و دایعه‌های امامت را به طور مستقیم به امام سجاد علیه السلام سپرد، از این رو نیازی به واسطه‌گری کسی مانند فاطمه نبوده است. برفرض وجود واسطه حضرت زینب علیها السلام اولی به واسطه‌گری خواهد بود نه فاطمه که بنا بر آنچه گذشت در سنین نوجوانی به سر می‌برده است. البته مسعودی (۱۴۲۶: ۲۷۲) در اثبات الوصیه حضرت زینب علیها السلام را وصی امام علیه السلام دانسته است. در کافی روایات دیگری مبنی بر واسطه‌گری ام سلمه نسبت به سپردن و دایع امامت امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام وجود دارد (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۷، ح ۳ و ۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۷) که با روایات دیگر که دلالت بر بدون واسطه بودن آن دارد، متعارض است (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۷، ح ۱ و ۲). روایتی که وصیت امام حسین علیه السلام به حضرت زینب علیها السلام را به جهت تقیه و حفظ امام سجاد علیه السلام از قتل توصیف کرده (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۷۲) نیز قابل پذیرش نخواهد بود؛ چرا که بدون تردید این وصایا در خفا و نهان صورت گرفته، بنابراین دلیلی برای تقیه وجود ندارد.

۳. روایتی صحیح‌السند در کافی که از سه طریق به دست ما رسیده دلالت بر این نکته دارد که امام حسین علیه السلام وصایای امامت را پیش از حرکت به سمت عراق به امام سجاد علیه السلام سپرد. در این روایت آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «چون امام حسین علیه السلام کشته شد، محمد بن حنفیه، شخصی را نزد علی بن حسین فرستاد که تقاضا کند با او در خلوت سخن گوید سپس [در خلوت] به آن حضرت چنین گفت: پسر برادرم! می‌دانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت و امامت را پس از خود به امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از او به امام حسن علیه السلام و بعد از او به امام حسین علیه السلام وا گذاشت و پدر شما کشته شد و وصیت هم نکرد، و من عمومی شما و با پدر شما از یک ریشه‌ام و زاده علی علیه السلام هستم. من با این سنّ و سبقتی که بر شما

دارم از شما که جوانید به امامت سزاوارترم، پس با من در امر وصیت و امامت منازعه و مجادله مکن. علی بن حسین علیه السلام به او فرمود: ای عمواز خدا پروا کن و چیزی را که حق نداری ادعا مکن. من تو را موعظه می‌کنم که مبادا از جاهلان باشی، ای عموا! همانا پدرم پیش از آنکه رهسپار عراق شود به من وصیت فرمود و ساعتی پیش از شهادتش نسبت به آن با من عهد کرد و این سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله است نزد من، متعرض این امر مشوک می‌ترسم عمرت کوتاه و حالت پریشان شود...» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۳۴۸، ح ۵ و نیز، نک. صفار، ۱۴۰۴: ۱/۵۰۲). روایتی دیگر با محتوای سپردن ودائع امامت به امام سجاد علیه السلام موجود است (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۸-۲۹۹، ح ۵).

#### ۵) سوگواری گنجشک‌ها در روز عاشورا

سپهر (۱۳۸۳: ۳/۲۵۴) می‌نویسد: «در بعضی کتب مناقب از فتح بن شنجرف العابد روایت کرده‌اند که گفت: همه روزنان ریزها از برای عصافیر می‌افشاندم تا می‌خوردند و بدان معاش می‌کردند، چون روز عاشورا فرا رسید، از آن نان ریزها که افشاندم، نخوردند، دانستم که خبر قتل حسین علیه السلام برایشان الهام شده و اینک آغاز سوگواری وزاری نموده‌اند».

۱. این حادثه به صورت تجربی و الهامی بر ذهن صاحب روایت خطور کرده است و گرنه نمی‌توان از ظاهر پرندگان و یا حیوانات به سوگواری آنان پی برد. ضمن آن که چنین استقرایی به خاطر نیامدن گنجشک‌ها برای خوردن نان ریزها تام نخواهد بود، چه بسا این گنجشک‌ها در این روز برای خوردن غذای خود به محلی دیگر رفته باشند. این قضاوت‌ها در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد و انسان به خاطر عقاید خود، میل به هماهنگی وقایع طبیعی با عقاید خود دارد، البته در این گفتار رابطه علی و معلولی پدیده‌ها قابل انکار نیست.

۲. در عالم غیر ظاهر چنین امری بعید نیست، چرا که در عالم معنا و باطن هر امری ممکن است و سوگواری حیوانات برای ائمه هدی در عالم باطن امری است که عدم رخداد آن سبب شگفتی است.

## و) استقبال شیراز امام حسین علیه السلام در منزل قطقطانه

سپهر (۱۳۸۳: ۸/۴) در کتابش آورده: «راشد بن مزید گوید: در خدمت حسین بن علی علیه السلام از مکه به جانب عراق کوچ دادیم، چون به منزل قطقطانه رسیدیم، خواستار مراجعت شدیم، چون رخصت فرمود، نگریستم که شیری درنده آن حضرت را پذیره می‌کند، چون نزدیک شد بایستاد، فرمود: چونست حال مردم کوفه؟ عرض کرد: دل‌های ایشان با شماست و شمشیرهایشان بر شما، فرمود: چه در کوفه از پس پشت افکندی؟ عرض کرد: عبیدالله بن زیاد را و او مسلم بن عقیل را بکشت، فرمود: اکنون به کجا می‌شوی؟ عرض کرد: به ارض عدن».

۱. گویا نخستین ناقل این روایت طبری آملی است که در دو کتاب خود آن را وارد کرده و دیگران به تبع از او نقل کرده‌اند (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۱۸۲؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۲۷: ۲۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۵۴/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۴۵۱/۳).

۲. کتب تاریخی از منزل قطقطانه مطلبی شبیه به این گزارش روایت نکرده‌اند.

۳. عبارت «قُلُوبُهُمْ مَعَكَ وَسُيُوفُهُمْ عَلَيْنِكَ» چنان که شهرت یافته از قول فرزاد نقل شده (ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۳؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۶۵/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۸۶/۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۷۱/۵؛ رازی، ۱۳۷۹: ۵۹/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۰/۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۵/۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۳/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۶۶/۸) و در برخی منابع، شبیه به آن را از قول بشر بن غالب اسدی (ابن نما، ۱۴۰۶: ۴۲؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۶۹) و یا دیگران (اصفهانی، بی تا: ۱۱۱؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۶۲) نیز آورده‌اند؛ اما از قول شیری که به استقبال امام علیه السلام بیاید مطلبی نقل نشده است.

۴. چنان که کتاب *ناسخ التواریخ* بدان باورمند است، امام حسین علیه السلام نسبت به تمامی امورا عم از شهادت خود واصحاب ووقایعی که در پیش روداشت، آگاه بود؛ از این رو سوال از کیفیت اتفاقاتی که در کوفه رخ داده بی معنا خواهد بود.

۵. بنا به روایت کتاب‌های تاریخی، امام علیه السلام در منزل ثعلبیه از شهادت مسلم با خبر شد (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۷/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۴/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۳۱؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۴۵؛ قمی، ۱۳۷۹: ۷۶۵/۲؛ مقرر، ۲۰۱۲: ۱۷۸ این رویداد را در زود گزارش کرده است).

### ز استغاثه امام علیه السلام در روز عاشورا

سپهر (۱۳۸۳: ۲/۳۷۷-۳۷۸) در روایتی که در منابع دیگر سابقه‌ای ندارد، از قول امام حسین علیه السلام و ذیل عنوان «استغاثه حسین علیه السلام از شهیدان زنده دل» می‌نویسد: «آن‌گاه از یمین و شمال نگران شد، اصحاب را کشته دید و برادران و فرزندان را در خاک و خون آغشته نگریست. پس ندا در داد که: یا مسلم بن عقیل، یا هانی بن عروه، یا حبیب بن مظاهر، یا زهیر بن قین، یا یزید بن مظاهر، یا یحیی بن کثیر، یا هلال بن نافع، یا ابراهیم بن حصین، یا عمیر بن مطاع، یا اسد کلبی، یا عبدالله بن عقیل، یا مسلم بن عوسجه، یا داود بن طرماع، یا حرریاحی، یا علی بن حسین، ای دلاور مردان صفا، ای سوارکاران میدان جنگ، مرا چه شده، شما را ندا می‌کنم، شما پاسخ مرا نمی‌دهید؟! دعوتتان می‌کنم اما به دعوتم گوش نمی‌دهید؟ شما خواب هستید تا امید به بیداریتان داشته باشم؟ یا اینکه از محبت امامتان دست برداشته‌اید که او را یاری نمی‌کنید؟ این بانوان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که به خاطر از دست دادن شما ناتوان شده‌اند؛ ای بزرگواران! از خواب خود برخیزید و از حرم رسول خدا، این پست مردمان را دفع کنید! ولکن روزگار خیانت پیشه با شما به خدعه رفتار کرد، والا شما هرگز از دعوت من کوتاهی نمی‌کردید! و از یاریم کناره نمی‌گرفتید! پس بدانید که ما بر شما عزاداریم و به شما ملحق می‌شویم! همه ما از خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم».

برخی همانند نمازی (۱۴۱۲: ۱۶۶/۸) این مطلب را نیز به امام علیه السلام نسبت داده‌اند که البته به متن و حقیقت تاریخی شباهت ندارد. یکی از ادله‌ای که وی برای شهادت هلال بن نافع به آن استناد می‌کند چنین است: «و او جزو کسانی است که امام حسین علیه السلام در هنگام انتصار نام وی را برده است؛ همان‌گونه که ابومخنف در مقتلش این مطلب را گوشزد کرده است». اما قول سپهر نه تنها در این مورد بلکه در بیشتر آنچه که نقل می‌کند، طبق ادله‌ای که بیان می‌شود، غیر قابل اعتماد است، بنا به دلایل زیر: یکی عدم دقت نویسنده در ضبط اسامی؛ برای مثال عبیدالله بن حرّ را عبدالله حرّ ثبت کرده است (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۱۴۸)، دیگر عدم ارجاع به منبع در مواردی از جمله این مورد؛ همچنین ثبت

نکاتی که در تاریخ معتبر ذکر نشده است؛ به علاوه مؤلف ناسخ التواریخ نوشته: امام حسین علیه السلام اصحاب را در خاک و خون دید و خطاب به آنها فرمود: چرا جواب من را نمی دهید؛ این در حالی است که مسلم بن عقیل وهانی بن عروه در کوفه به شهادت رسیدند و عبارت «مالی انادیکم فلا تجیبونی، وادعوکم فلا تسمعونی؟! انتم نیام ارجوکم تنتبهون»، درباره این دو شهید معنا ندارد؛ زیرا خطاب به کسانی است که در کربلا به خاک و خون غلطیده اند. گفته شده امام حسین علیه السلام خطاب به شهیدان به خاک افتاده فرمود: «وعدربکم الدهر الخؤون؛ روزگار خیانت پیشه با شما به خدعه رفتار کرد»؛ این در حالی است که شأن و صبر امام علیه السلام بسیار بالاتر از آن است که روزگار را به خیانت متهم کند.

سپهر در کتاب خود اشتباه دیگری را مرتکب شده و هلال بن نافع را در شمار شهیدان کربلا آورده است. غرض اینکه در متن بالا نویسنده ناسخ التواریخ، هلال بن نافع را - به زعم اینکه در شمار شهیدان کربلاست - مورد خطاب قرار داده است که بلند شو و امام حسین علیه السلام را یاری کن. پس این متن را نمی توان به امام حسین علیه السلام نسبت داد. دلیل دیگر صاحب مستدرکات این است که هلال بن نافع همان کسی است که در دل شب به همراه حضرت عباس علیه السلام برای طلب آب به شریعه رفتند و با عمرو بن حجاج گفتگویی کرد (نمازی، ۱۴۱۲: ۱۶۶/۸). در حالی که، آن فرد که با حضرت عباس علیه السلام به شریعه رفت، نافع بن هلال است (بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۸۱/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۲/۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۹۲/۵؛ رازی، ۱۳۷۹: ۷۰/۲)، از این روی قول برخی از رجالیان مبنی بر شخصی به نام شهادت هلال بن نافع در لشکر امام حسین علیه السلام غیر قابل قبول است.

### ح) مطالب تحریفی دیگر

- تأویل «کهیعض» به امام حسین علیه السلام و قاتلانش (سپهر، ۱۳۸۳: ۲۸۱/۱): موجود در فرائد السمطين (حموی، ۱۴۰۰: ۱۷۱/۲).

- اشعار موجود بر روی سنگ های کنیسه ها پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مضمون خبر از

- شهادت امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۲۸۴): موجود در المعجم الكبير (طبرانی، بی تا: ۱۲۴/۳).
- حک شدن اشعاری خونین رنگ بر روی دیوارها به صورت خودنوشت (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۲۸۵): موجود در المعجم الكبير (طبرانی، بی تا: ۱۲۳/۳).
- علاقه امام حسن علیه السلام به رنگ سبز و امام حسین علیه السلام به رنگ سرخ (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۲۹۳-۲۰۷): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۲۴۶-۲۴۷).
- شنیده شدن صدای منادی در آسمان: «ای قاتلان ظالم حسین! شما را بشارت به ...» (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۳۰۲، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۴۶): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۳۴/۵).
- هفده تن شهید از نسل حضرت فاطمه علیها السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۳۲۰-۳۲۱): موجود در المعجم الكبير (طبرانی، بی تا: ۱۱۹/۳).
- روایت ورود حضرت علی علیه السلام به سرزمین کربلا و پیشکوه آهوان (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۳۲۱-۳۲۲): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵۵۰/۲-۵۵۳).
- طلوع آفتاب از جانب مشرق (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۳۲۳).
- جاری بودن خون تازه از دیوارهای مدینه (همان).
- سال شصتم هجری سال شهادت امام حسین علیه السلام (همان، ۱۳۶۲/۱-۳۶۳): موجود در الهدایه الكبرى (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۱).
- طلب آموزش امام حسین علیه السلام برای معاویه (سپهر، ۱۳۸۳/۱: ۳۸۵): موجود در تاریخ (طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۹/۵).
- خواب امام علیه السلام به هنگام حرکت از مدینه (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۴): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۹/۵).
- عمل به نصیحت محمد بن حنفیه (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۸): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۰/۵-۲۱).
- وصیت امام حسین علیه السلام به محمد بن حنفیه و اصلاح طلبی امام علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۹): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۱/۵).



- ام سلمه و شیشه تربت امام حسین علیه السلام و علم به جزئیات شهادت (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۳/۲): موجود در *الهدایه الکبری* (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۲-۲۰۴).
- ملاقات گروهی از ملائکه و جتیان با امام حسین علیه السلام در مدینه (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷/۲): موجود در *الهدایه الکبری* (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۶-۲۰۷).
- مسلم خواستار معافیت از سفارت و فال اندیشی وی (به فال بد گرفتن ادامه مسیر): با کشته شدن آهوئی توسط صیادی که به دنبال او بود، مسلم به نزد امام علیه السلام باز می‌گردد و چنین خبری را با ایشان در میان گذاشت که امام علیه السلام او را از این امر معاف می‌دارند. مسلم می‌گوید: «بترسیدم که دیگر چشمم بدین جمال مبارک روشن نشود...» اما پس از این به سمت کوفه در حرکت می‌شود و در راه که دیگر منابع سخن از مرگ دوراهنمای مسلم ارائه کرده‌اند سپهر (۱۳۸۳: ۳۸/۲-۴۰) مدعی شده که جمع کثیری همراه مسلم بوده‌اند: موجود در *الأخبار الطوال* (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۳۰).
- همراهی شخصیتی جدید به نام محمد کثیر با مسلم و شهادت او و فرزندش (سپهر، ۱۳۸۳: ۷۸/۲-۸۴) قابل توجه اینکه سپهر وقایع مربوطه را به ابن اعثم<sup>۱</sup> نسبت می‌دهد، حال آن که در *الفتوح* این گزارش وجود ندارد، بلکه باید به کاشفی نسبت می‌داد.
- افسانه طفلان مسلم و حارث قاتل ایشان [به نقل از کاشفی] (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۱۰/۲-۱۱۸): موجود در *مقتل الحسین علیه السلام* خوارزمی (صدوق، ۱۳۷۶: ۸۳-۸۸).
- تبدیل عمره تمتع به عمره مفرده (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۲): موجود در *الإرشاد* (مفید، ۱۴۱۳: ۶۷/۲).
- خطبه *خط الموت* در مکه (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۲-۱۲۷): موجود در *لهوف* (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۶۰-۶۱).
- مصادره اموال کاروان یمنی در تنعیم (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۲۶/۲-۱۲۷): موجود در *أنساب الأشراف* (بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۶۴/۳).
- تردید فرزند امام حسین علیه السلام برای پیشروی و ادامه نهضت (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۶۳/۲).

۱. سپهر «ابن اعثم» را «اعصم کوفی» خطاب می‌کند.

- ۱۳۲): موجود در *مقاتل الطالبیین* (اصفهانی، بی تا: ۸۹).
- نوحه هاتفی در آسمان بر امام حسین علیه السلام به نقل از حضرت زینب علیها السلام «ألا یا عین فاحتفلی بجهد...» (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۴۳/۲؛ ۲۴۰/۳): موجود در *المعجم الکبیر* (طبرانی، بی تا: ۱۲۲/۳).
- سخن امام علیه السلام در شب عاشورا به نقل از سکینه و جدا شدن ده- بیست نفر از سپاه امام علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۵۹/۲؛ سپهر این گزارش را از کتاب *نور العین* نقل می کند و نیز نک. ۲۲۲.۲۱۹/۲): موجود در *أنساب الأشراف* (بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۸۵/۳).
- قدم از قدم بر نداشتن اسب امام حسین علیه السلام و دیگر اسب ها به محض رسیدن به کربلا (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۶۸/۲): موجود در *منتخب* (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۲۷).
- شعر مشهور «یا دهر آف لک...» در لحظه ورود به کربلا و نگاشتن نامه ای به اهل کوفه و ارسال آن به دست قیس بن مصهر صیداوی (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۶۹/۲) این در حالی است که شهادت قیس بن مصهر پیش از این رقم خورده بود: موجود در *الفتوح* (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۸۴/۵).
- قلب در نام نافع بن هلال (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۷۴/۲، ۱۹۵، ۲۷۷): موجود در *لهوف* (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۸۰، ۱۲۸).
- تعداد سپاه امام حسین علیه السلام: صد و چهل و پنج تن و لشکر این زیاد بیشتر از بیست یا سی هزار تن. سپهر (۱۳۸۳/۲: ۱۸۶، ۳۰۸) با تحلیل و بررسی روایات چنین نظری داده است: موجود در *أنساب الأشراف* (بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۲۶/۳).
- درخواست کمک از طایفه بنی اسد (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۹۰): موجود در *أنساب الأشراف* (بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۸۰/۳).
- کندن چاه در کربلا توسط امام علیه السلام برای رفع تشنگی (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۱۹۴-۱۹۵): سپهر این اتفاق را دو مرتبه ذکر کرده که یکی از آنها در شب عاشورا است (همان، ۲۱۶/۲): موجود در *الفتوح* (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۹۱/۵-۹۲).
- خواب امام حسین علیه السلام در شب عاشورا (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۶): موجود در *الفتوح* (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۹۷/۵).

- درخواست امام علیه السلام برای به تأخیر انداختن یک روزه جنگ (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۱۸):  
 موجود در الطبقات الکبری (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۶۶؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰).
- خبر غیبی از شهادت اصحاب و عبدالله رضیع در شب عاشورا (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۲۰)  
 ۲۲۱؛ و شبیه به آن: ۴/۶۳، ۷۰، ۷۲).
- سه نفرین مستجاب امام حسین علیه السلام (همان، ۲۲۶/۲: ۲۲۹): موجود در روضه الشهداء  
 (کاشفی، بی تا: ۲۶۸).
- خواب امام حسین علیه السلام در صبح عاشورا (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۴۰) موجود در الفتوح  
 (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۹۹-۱۰۰).
- پیوستن برادر، فرزند و غلام حرّ بن یزید به سپاه امام علیه السلام و جزئیات مربوط به جنگ  
 حرّ (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۵۵-۲۶۱، ۲۶۱-۲۶۶): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا:  
 ۲۷۸، ۲۸۱).
- عروسی هلال بن نافع و همراهی همسراو (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۷۷-۲۷۹): موجود در  
 روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۲۹۸-۲۹۹).
- اغراق در کشته شدگان دشمنان توسط یاران امام حسین علیه السلام: حرّ بن یزید: هشتاد نفر  
 (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۶۵)، بریز: سی نفر (همان، ۲/۲۶۷)، مسلم بن عوسجه: پنجاه نفر  
 (همان، ۲/۲۷۶)، هلال بن نافع: سیزده نفر (همان، ۲/۲۸۰)، حجاج بن مسروق: صد و  
 پنجاه نفر (همان، ۲/۲۹۲)، یحیی بن کثیر: چهل نفر (همان، ۲/۲۹۳)، جناده بن حارث:  
 شانزده نفر (همان، ۲/۳۰۲)، جعفر بن عقیل: پانزده نفر (همان، ۲/۳۱۸)، عبدالرمن بن  
 عقیل: هفده نفر (همان، ۲/۳۱۹)، موسی بن عقیل: هفتاد نفر (همان، ۲/۳۲۰)، محمد  
 بن سعید بن ابی عقیل: هشتاد نفر (همان، ۲/۳۲۱)، قاسم بن حسن علیه السلام: سی و پنج یا  
 هفتاد نفر (همان، ۲/۳۲۷)، عباس بن علی علیه السلام: هشتاد نفر (همان، ۲/۳۴۴)، علی  
 اکبر علیه السلام: صد و بیست نفر (همان، ۲/۳۵۲). برای مقایسه به بخش مربوطه در امالی شیخ  
 صدوق مراجعه شود.
- افراد مجهول در سپاه امام حسین علیه السلام و شهادت آنها (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۲۸۲، ۲۹۹،  
 ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰-۳۱۵). بیشترین اسامی به نقل از مقتل منسوب به ابومخنف است.

- شهادت پسر مسلم بن عوسجه (همان، ۲/۲۷۷): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۲۹۸).
- مکالمه جون غلام سیاه ابوذر غفاری با امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۲۹۷): موجود در مشیرالاحزان (ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۳).
- شهادت طرماح بن عدی (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۱۱) و روایت شاذ او مبنی بر بازگشت سر امام علیه السلام به بدن ایشان و دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در قتلگاه به نقل از مقتل منسوب به ابومخنف (همان، ۱۶-۱۵/۳).
- عبدالله بن مسلم نخستین شهید بنی هاشم (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۱۶): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۱۰).
- شهادت عیدالله بن عبدالله بن جعفر به دست عبدالله بن بطة الطائی (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۲۲).
- توضیحات مفصل درباره شهادت عون بن علی علیه السلام (همان، ۳۳۹/۲-۳۴۰).
- توصیفی از حضرت عباس علیه السلام و قمر بنی هاشم خواندن او (همان، ۳۴۱/۲).
- جزئیات شهادت حضرت عباس علیه السلام (همان، ۳۴۴/۲-۳۴۵): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۳۳۴).
- قطع شدن دست چپ حضرت به دست نوفل بن ازرق (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۴۶); در منابع دیگر نوفل بن ازرق قطع کننده دست راست بود): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۳۲۵).
- نوحه سرایی ام البنین در بقیع و گریستن مروان بن حکم (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۴۸): موجود در مقاتل الطالبیین (اصفهانی، بی تا: ۹۰).
- شهادت حضرت عباس علیه السلام پیش از شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۴۹): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۱۴).
- مکیدن زبان و انگشتر امام حسین علیه السلام توسط علی اکبر علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۵۳): موجود در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۴۳).
- منقذ بن مرّه به جای مره بن منقذ قاتل علی اکبر علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳/۲: ۳۵۴):

موجود در *روضه الشهداء* (کاشفی، بی تا: ۳۳۹).

- وداع امام حسین علیه السلام با اهل خيام به سبک زبان حال (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۶۰) موجود در منتخب (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۴۰).

- درخواست آوردن پیراهنی کهنه برای امام علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۶۳) موجود در *أسرار الشهاده* (دربندی، ۱۴۱۵: ۸/۳).

- نام بردار شدن «عبدالله رضیع [شیرخواره]» به «علی اصغر» و طلب آب برای سیراب ساختن کودک و خشک شدن شیردرستان مادرش (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۶۴، ۲۳۵/۴) به نظر می رسد سپهر این عبارت را از کتاب *محرق القلوب نراقی* (بی تا: ۴۷۸) نقل کرده که معتقد است طفل شیرخواره پس از تیر خوردن به روی پدرنگاهی کرده و پس از تبسمی به شهادت رسید.

- ذلت پذیری امام علیه السلام با پیشنهاد پذیرش یکی از مفاد سه گانه (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۶۵): سپهر کاشانی این رویداد را هنگامی نقل کرده که امام علیه السلام همه یاران و خویشان خود را از دست داده بود: موجود در *تاریخ* (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۳۸۹، ۳۹۲، ۴۱۳، ۴۲۷).

- تعداد زخم های بدن امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۸۲): موجود در *الأمالی* (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۴ و نیز نک. فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱/۱۸۹).

- اصابت تیر محدد مسموم سه شعبه به قلب امام علیه السلام و جملات گفته شده از زبان ایشان (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۸۳): موجود در *مثیر الأحزان* (ابن نما، ۱۴۰۶: ۷۳).

- پسر بچه ای به نام عبدالله بن حسین علیه السلام و در آخرین لحظات جان سپاری امام علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۸۵): سپهر وی را با عبدالله بن حسن علیه السلام خلط کرده است.

- بریدن سر امام علیه السلام از قفا توسط شمر (همان، ۲/۳۹۱، ۳/۲۸): موجود در *مناقب آل ابی طالب* (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۱۱۳).

- زدن دوازده ضربه به بدن امام علیه السلام و جدا ساختن سر ایشان توسط شمر (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳۹۲) وی در موضعی دیگر معتقد است که خولی و سنان در کشتن و بریدن سر امام علیه السلام یاری گر شمر بوده اند: موجود در *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۵۶).

- شنیده شدن صدای منادی در آسمان [که ندا داد: قتل والله الإمام بن الإمام أخو

- الإمام، قتل والله الهمام بن الهمام الحسين بن علي بن أبي طالب] (سپهر، ۱۳۸۳: ۳۹۳/۲): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۳۴/۵).
- جمعه روز عاشورا و شهادت امام علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۳۹۴/۲): موجود در روضه الشهداء (کاشفی، بی تا: ۳۵۲).
- مکشوف شدن سرسکینه و افکندن مقنعه از سرخویش (سپهر، ۱۳۸۳: ۲/۳): موجود در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۴۵-۶۱).
- بریده شدن گوش ام کلثوم (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۱/۳): موجود در مناقب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۴).
- زیارتی با محتوای روز عاشورا به نام ناحیه مقدسه (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷/۳-۲۵).
- تلاوت آیه ای از قرآن توسط سربی بدن امام حسین علیه السلام بر روی نیزه (همان، ۲۶/۳، ۷۳-۷۴، ۱۱۶): موجود در الإرشاد (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۲).
- سوار شدن زنان و کودکان بر شتران بی جهاز و یا بدون محمل (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۰): موجود در لَهوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۳-۱۴۲).
- غل جامعه بر بدن امام سجاد علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۰): موجود در أسرار الشهادة (دربندی، ۱۴۱۵: ۲۷۳/۳).
- بستن پاهای امام سجاد علیه السلام زیر شتر (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۰): موجود در أسرار الشهادة (دربندی، ۱۴۱۵: ۲۷۲/۲-۳۱-۶۳۱).
- بی تابی و جزع و فزع امام سجاد علیه السلام در مصیبت از دست دادن پدر و آرام کردنشان توسط حضرت زینب علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۰-۳۱): موجود در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۹/۴۵-۱۸۴).
- داستان شیرو فضه (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۵): موجود در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۹/۴۵-۱۷۰).
- پوشیده شدن زنان اهل بیت علیهم السلام توسط زنی از کوفیان (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۳۷): موجود در لَهوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۴).
- روایت مفصل مسلم جصاص و سربه محمل کوبیدن حضرت زینب علیه السلام (سپهر،

- ۱۳۸۳: ۵۲/۳ (۵۳): موجود در منتخب (طریحی، ۱۴۲۴: ۴۶۵۴۶۴).
- صدقه گرفتن کودکان و عکس العمل ام کلثوم (سپهر، ۱۳۸۳: ۵۳/۳): موجود در *أسرار الشهاده* (دربندی، ۱۴۱۵: ۲۹۸/۳-۳۰۰).
- سوراخ شدن ران ابن زیاد (سپهر، ۱۳۸۳: ۶۰/۳): موجود در *روضه الشهداء* (کاشفی، بی تا: ۳۶۵).
- نوحه جئیان بر امام حسین علیه السلام: حدیث ششم معجم کبیر طبرانی به نقل از عمرو بن ثابت: *أَلَا يَا عَيْنُ فَأَنْهَمِلِي بِجَهْدٍ ...* (سپهر، ۱۳۸۳: ۷۸/۳): موجود در *المعجم الكبير* (طبرانی، بی تا: ۱۲۲/۳).
- شنیده شدن صدای منادی در آسمان: «ای قاتلان ظالم حسین! شما را بشارت به عذاب و سیه روزی! (سپهر، ۱۳۸۳: ۸۴/۳): موجود در *الفتوح* (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۳۴/۵).
- نوحه سرایی کلاغ بر سر خانه فاطمه بنت الحسین علیها السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۸۵/۳، ۲۴۸): موجود در *فرائد السمطين* (حمویی، ۱۶۳/۱-۱۶۴).
- مکاشفه حامل سر امام حسین علیه السلام و رؤیت پیامبران الهی و نابود شدن پنجاه نفر همراه او (سپهر، ۱۳۸۳: ۹۹/۳-۱۰۰): موجود در *مقتل الحسين* (خوارزمی، بی تا: ۱۰۰/۲-۱۰۱).
- روایت در مورد مردی که به کعبه پناه برده و از افرادی بود که سر امام حسین علیه السلام را با پنجاه نفر برای یزید بردند که در طی مسیر مکاشفه ای به او دست داد و پیامبر صلی الله علیه و آله برای او طلب مغفرت نکرد (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۰۰/۳). دیگر منابع ناقل این روایت را ابن لهیعه می دانند: موجود در *مقتل الحسين* (خوارزمی، بی تا: ۱۰۱/۲-۱۰۱).
- گزارش سفر کاروان اهل بیت علیهم السلام از کوفه تا شام [شهرهای موصل، قادسیه، تکریت، نصیبین، قنسرین، معره النعمان، شیزر، حماه، حمص، بعلبک و...] (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۱۷/۳-۱۰۱): به نقل از *مقتل منسوب* به ابومخنف و *روضه الأحباب*: به بخش کامل بهایی مراجعه شود.
- داستان دیر راهب (همان، ۱۱۲/۳) چنان که گذشت این داستان در قنسرین به وقوع پیوست: موجود در *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۰/۴).

- مبدل شدن ورس ها به سنگ و حک شدن آیه ای از قرآن بر روی آن (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۳ [وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ]). گفتنی است این آیه مربوط به حک شدنش به خاطر دادن سکه هایی است که ام کلثوم در شام به پرده دار این زیاد داد تا سرها را جلوتر از زنان ببرند (همان، ۶۰/۴).
- خواهش و تحویل اندکی پول به شخصی از سوی سکینه تا سرها را پیشاپیش ببرند (همان، ۱۱۷/۳) این مقدار پول را در روایات گذشته به ام کلثوم نسبت داده اند: موجود در مقتل الحسين خوارزمی (همان)
- رقص و پای کوبی شهر کوفه به مناسبت ورود کاروان اهل بیت علیهم السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۱۹/۳) موجود در کامل بهایی (همان، ۶۳۶).
- خواهش و تحویل اندکی پول به شخصی از سوی ام کلثوم تا سرها را پیشاپیش ببرند (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۳): موجود در مناقب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۰/۴).
- اظهار پیشیمانی یزید بر قتل امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۲۶/۳: ۱۷۴-۱۷۵): موجود در الطبقات الكبرى (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۸۶: همو، ۱۴۱۵: ۸۲).
- هدایت یافتن یزید و معاویه در مشاجره حضرت زینب علیها السلام و یزید (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۴۲/۳): موجود در تاریخ (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۱/۵-۴۶۲).
- جوشیدن خون از زیر سنگ در بیت المقدس (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۴۹/۳: ۲۱۲، ۲۲۴).
- مشاجره سفیر روم با یزید و احترام به سم الاغ حضرت عیسی علیه السلام (همان، ۱۵۰/۳): موجود در مشیر الأحرار (ابن نما، ۱۴۰۶: ۱۰۳-۱۰۴).
- خرابه نشینی اهل بیت علیهم السلام در دمشق (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۵۵/۳) [نکته قابل توجه این که نخستین بار در زبان فارسی، لفظ «خرابه» از کتاب ناسخ التواریخ منتشر گشت]: موجود در أسرار الشهداء در بندی (همان، ۵۶۶/۳-۵۶۷).
- هند همسر یزید و پیش از او همسر امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۵۹/۳): موجود در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۴۵).
- خطبه امام سجاد علیه السلام در مسجد دمشق (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۶۱/۳-۱۶۶): موجود در الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۳۲/۵-۱۳۳).



- خواب سکینه در کاخ یزید (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۶۸/۳: ۱۶۹-۱۶۸): موجود در اسرار الشهاده (در بندی، ۱۴۱۵: ۳/۶۲۷).
- درخواست امام سجاد علیه السلام از یزید برگزاردن سرپرستی برای اهل بیت علیهم السلام از فاصله شام تا مدینه (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷۲/۳): موجود در لکھوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۹۴-۱۹۵).
- بشیر حامل خبر شهادت امام حسین علیه السلام به اهل مدینه (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۸۲/۳): موجود در *مثیر الأحزان* (ابن نما، ۱۴۰۶: ۱۱۲).
- حضور صوحان بن صعصعه بن صوحان در زمان امام سجاد علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۸۷/۳): موجود در لکھوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۲۰۲).
- روایت میثم و علم او به جزئیات شهادت امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۲۰۲/۳، ۲۵۹): موجود در *الأمالی صدوق* (همان، ۱۲۸۱۲۶).
- شفا یافتن دختر معلول یهودی با خون بال یک مرغ آغشته به خون حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۱/۳): موجود در *روضه الشهداء* (همان، ۳۶۰-۳۵۸).
- استفاده زنی از ورس های ربوده شده از خیمه حسین علیه السلام و مبتلا شدن به برص (سپهر، ۱۳۸۳: ۲۵۷/۳، ۶/۴).
- آتش گرفتن مردی که در کربلا حضور داشت و ادعا می کرد هیچ بلایی به او و همزمانش نرسیده است (همان، ۳۷۹/۳، ۳۸۱): موجود در *شرح الأخبار* (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۱۷۲-۱۷۱/۳).
- خوراندن قطران توسط امام علی علیه السلام به میخ فروش حاضر در کربلا (سپهر، ۱۳۸۳: ۳۸۰/۳): موجود در *مناقب* (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۵۹).
- مکالمه امام حسین علیه السلام با اسب خویش و تعارف بر سر نوشیدن آب (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷/۴): موجود در *روضه الشهداء* (کاشفی، بی تا: ۳۵۳).
- فریب خوردن امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷/۴): موجود در *روضه الشهداء* (کاشفی، بی تا: ۳۴۸).
- چهار هزار نفر نگهبان بر شریعه فرات (سپهر، ۱۳۸۳: ۱۷/۴): موجود در *روضه الشهداء* (کاشفی، بی تا: ۳۳۴).

- شتریان و کمربند امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۴/۲۲-۱۹): موجود در *الهدایه الکبری* (خصیصی، ۱۴۱۹: ۲۰۷-۲۰۹).

- داستان شیرو جسد امام حسین علیه السلام (سپهر، ۱۳۸۳: ۳/۲۶۱-۲۶۲، ۴/۲۲-۲۳) [شبهه گزارشی است که در مورد فضه نیز نقل شده، با این تفاوت که این روایت را با دو طریق و در دو موضع نقل می‌کند و در روایت دوم زنان جنّ نیز به آن اضافه شده‌اند. راوی که از قبیله‌ی بنی‌اسد است چون تمایل به شناختن آن شیر می‌کند، زنان جنّی به او می‌گویند: او علی بن ابی‌طالب علیه السلام است]: موجود در *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۱۶۹-۱۷۰).

### نتیجه

محمدتقی سپهرکاشانی از شخصیت‌های درباری قاجار مجموعه‌ای را درباره شرح حال کسانی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام، شیخین، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام تحت عنوان *ناسخ التواریخ* گرد آورده است. مجلدات مربوط به امام حسین علیه السلام، چهار جلد است که از بدو تولد تا شهادت و مرثیاتی مربوط به امام علیه السلام و فرزندان ایشان را شامل می‌شود. این مجلدات در بردارنده روایات صحیح و سقیم بوده، گرچه مؤلف بر متقن بودن منابع تاریخی و روایی خود صحه گذاشته، اما در میان نوشته‌جات وی گاه منابعی یاد می‌شود که جدای از مجعولیت، مشتمل بر اخباری است که قابل اعتماد نبوده و ضمن عدم اطمینان، آکنده از فضائل و مناقبی است که بررسی آنها این نتیجه را به دنبال خواهد داشت که نویسنده به دنبال جمع روایات بوده و نه صرفاً آنچه بدان اعتقاد داشته، چرا که در موارد نادری پیش یا پس از نقل روایت به تحلیل آن پرداخته و نظر خود را در مورد آن بیان می‌کند. جلد مربوط به امام حسین علیه السلام را می‌توان یکی از جامع‌ترین مقاتل مفصل دانست؛ هر چند مؤلف به دنبال شبیه‌آوری برای *بحار الأنوار* علامه مجلسی بوده، اما در این زمینه توفیقی حاصل نکرده است؛ چرا که هم نویسنده *بحار الأنوار* از رسم و نشان ویژه‌ای برخوردار بوده و هم تبویب و تنظیم آن دقیق‌تر از *ناسخ التواریخ* است. رویکرد سپهرکاشانی نسبت به قیام امام علیه السلام را دقیقاً نمی‌توان برداشت کرد، اما طبق روایاتی که در کتاب خود ثبت کرده با توجه به روحیه سیاست‌مدارانه

نویسنده می‌توان سبک نوشتاری او را با شیعیانی که با اندیشه ایجاد احساس عاطفه به تألیف مقاتل مشغول شدند جدا ساخت، اما هم‌چنان ارادت ویژه‌ای به نقل فضائل و مناقب ائمه علیهم‌السلام دارد و برای این کار بر منابع مشتمل بر فضیلت‌های معصومین توجه کرده است از این رو رویکرد وی عاطفی بوده است. در *ناسخ التواریخ* بیشتر به اتفاقات مربوط به حرکت اهل بیت علیهم‌السلام به سمت شام توجه شده است. هم‌چنین توجه بیش از حد به نقل وقایع غیرطبیعی پس از شهادت امام علیه‌السلام، فضایل و مناقب امام علیه‌السلام در مسیر عاشورا نشان دهنده رویکرد مؤلف است.

### منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن الکامل (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، دار بیروت.
- ابن اعثم کوفی، احمد (۱۴۱۱)، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ابن خیاط أبو عمرو خلیفه (۱۴۱۵)، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق فواز، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴)، *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی، قم، دار الحدیث.
- ابن نمای حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶)، *مثیر الأحزان*، تحقیق مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم، مدرسة الإمام المهدي (عج).
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴)، *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طائف، مكتبة الصديق.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵)، *ترجمة الإمام الحسين علیه‌السلام من طبقات ابن سعد*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، الهدف.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام*، قم، علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸)، *التهوف علی قتلی الطفوف*، تهران، جهان.
- ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء إسماعیل (۱۴۲۲)، *البدایه والنهایه*، بیروت، دارالمعرفه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمه فی معرفة الأئمة*، تحقیق سید هاشم رسولی

- محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سیداحمدصقر، بیروت، دارالمعرفه.
- آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالأضواء.
- امین عاملی، سیدمحسن (۱۴۰۳)، أعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین، بیروت، دارالتعارف.
- بحرانی، سیدهاشم بنسلیمان (۱۴۱۳)، مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲)، رجال البرقی، تهران، دانشگاه تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالتعارف.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی.
- حسینی جلالی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۲)، فهرس التراث، قم، دلیل ما.
- حسینی، سید عبدالله (۱۳۸۶)، معرفی و نقد منابع عاشورا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۷)، خلاصة الأقوال، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقاهة.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۱۴)، معجم الأدباء، بیروت، دارالغرب الإسلامي.
- حموی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۰)، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والبتول و السبطین والأئمة، تحقیق محمدباقر محمودی، بی جا، مؤسسه المحمودی.
- خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹)، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ.
- خوارزمی، موفق بن احمد خطیب (بی تا)، مقتل الحسين عليه السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی.
- خویی، سیدابوالقاسم (بی تا)، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، قم، مرکز نشر الثقافة الإسلامية.

- دربندی، آغا بن عابد شیروانی حائری (۱۴۱۵)، *اکسیرالعبادات فی أسرارالشهادات* (أسرار الشهادة)، بحرین، شركة المصطفی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- رازی، ابوعلی مسکویه (۱۳۷۹)، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- رحمان ستایش، محمدکاظم و محسن رفعت (۱۳۸۹)، «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی»، *حدیث پژوهی*، شماره ۳.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۶)، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۳)»، *تاریخ درآینه ی پژوهش*، سال چهارم، شماره ۱۶.
- سپهر، میرزا محمد تقی (۱۳۸۳)، *ناسخ التواریخ*، قم، ناصر.
- صحتی سردرودی، عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات خادم الرضا.
- صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۴ ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسه امام مهدی (عج).
- صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، تحقیق محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد (بی تا)، *المعجم الكبير*، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.
- طبری آملی صغیر (۱۴۲۷)، *نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداه علیهم السلام*، تحقیق باسم

- محمد اسدی، قم، دلیل ما.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳)، دلائل الإمامه، قم، مؤسسه البعثة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۲۴)، المنتخب فی جمع المراثی والخطب، تصحیح نضال علی، بیروت، مؤسسة الأعلمی
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰)، الفهرست، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (۱۳۹۰)، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظین وبصيرة المتعظین، قم، انتشارات رضی.
- قاضی طباطبائی، سید محمد علی (۱۳۶۸)، تحقیق درباروی اول اربعین حضرت سید الشهداء، قم، بنیاد علمی فرهنگی شهید آیه الله طباطبائی.
- قاضی نعمان، ابن حیون (۱۴۰۹)، شرح الأخبار، قم، جامعه مدرسین.
- قمی، عباس (۱۳۷۹)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی والآل علیهم السلام، قم، دلیل.
- کاشفی سبزواری، ملاحسین (بی تا)، روضه الشهداء، تصحیح ابوالحسن شعرانی، اسلامیه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳)، رجال الکشی، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶)، اثبات الوصیة، قم، انصاریان.

- مسعودى، على بن حسين (١٤٠٩)، مروج الذهب، قم، دارالهجرة.
- مطهرى، مرتضى (بى تا)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٣)، الإرشاد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، كنگره شيخ مفيد.
- مقتل الحسين عليه السلام المنسوب بمقتل أبى مخنف، مجهول المؤلف (١٤٠٨)، كويت، مكتبة الألفين.
- مكرم، سيد عبدالرزاق (٢٠١٢)، مقتل الحسين عليه السلام، قم، منشورات الشريف الرضى.
- نجاشى، احمد بن على (١٣٦٥)، رجال النجاشى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
- نراقى، محمد مهدي (بى تا)، محرق القلوب، قم، سرور.
- نمازى شاهرودى، على (١٤١٢)، مستدركات علم رجال الحديث، بى جا، بى نا.

